

گفتمان‌شناسی «قسمت» در زبان و فرهنگ مردم ایران

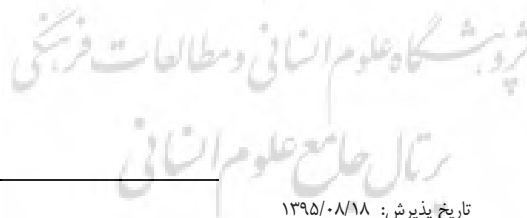
رضا پیش‌قدم^۱، آتنا عطاران^۲

چکیده

واژه «قسمت» و عبارتهای هم‌معنای آن مفاهیم عجین‌شده در فرهنگ فارسی هستند که به‌کاربردن صحیح و فهم آنها نیاز به تعمق و بررسی دارد؛ از این رو، در این پژوهش کوشیدیم تا نگاهی زبانی - تاریخی به باور تقدیرگرایی در جامعه ایران بیندازیم و با به‌کاربردن نظریه‌اسنادی به بررسی دقیق‌تر این باور بپردازیم؛ بنابراین، در ۴ ماه، ۲۸۰ موقعیت گفتمانی از افراد با گروه‌های سنی، سطح تحصیلات و مشاغل مختلف گردآوری شد. سپس، با استفاده از مدل هایمز (۱۹۶۷) تفکر تقدیرگرایی واکاوی شد و معنای مفهوم قسمت و واژگان هم‌نشین با آن بررسی شد. افزون بر این، با بهره‌گیری از فرهنگ‌کاوی این باور در جامعه، «زبانگ جبرگرایی» را معرفی کردیم و نشان دادیم که می‌توان مفهوم «قسمت» را فصل مشترک دو زبانگ «جبرگرایی» و «صراحت‌گزینی» دانست. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان داد تقدیرگرایی با سن رابطه‌ای مستقیم و با تحصیلات رابطه‌ای معکوس دارد.

واژه‌های کلیدی

تقدیرگرایی، فرهنگ‌کاوی، زبانگ جبرگرایی، قسمت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۸

pishghadam@um.ac.ir

atena.attaran@mail.um.ac.ir

۱. استاد گروه آموزشی زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

مقدمه

بدون شک یکی از دلایلی که جوامع گوناگون را از هم متمایز می‌سازد، فرهنگ است که در برگرفته ارزش‌ها و باورهای مشترک مردم جامعه است که انتقال آن از نسلی به نسل دیگر ممکن است (کیث، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، مطالعه هر فرهنگ کلیدی برای درک عادات‌های فکری و رفتاری افراد آن جامعه است که نمود آنها در زبان افراد آن جامعه است و نحوه بیان آن، در قالب‌های نوشتاری و گفتاری نشانگر نحوه اندیشیدن و افکار آن جامعه است. باید بدانیم که باورها «موضوعات ذهنی و بی‌روح نیستند؛ بلکه مفاهیمی هستند که با احساسات انسان‌ها در هم بافته شده‌اند و ایجاد هرگونه چالش و تردید در آنها ممکن است واکنش‌های نامناسی را در برداشته باشد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۲).

اما پرسش اینجاست که مطالعه فرهنگ یک زبان و افراد آن جامعه چگونه میسر است؟

عقاید و باورهای فرهنگی افراد ریشه در فرهنگ چند هزار ساله یک تمدن دارند که به مرور زمان ممکن است دستخوش تغییراتی شده باشند. باید در نظر داشت که برای «برقراری ارتباط با افراد هر جامعه ناگزیر از رسوخ لایه‌های فرهنگی، روش خاص زندگی، عقاید، نمادها و اساطیر آن جامعه هستیم» (عسکرنژاد، ۱۳۴۸: ۳۰۹). بر این اساس، فرهنگ‌کاوی زبان در خلأ روی نمی‌دهد و لازمه آن داشتن دانش تاریخی، آگاهی از زبان مادری و نگاهی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به زبان است؛ زیرا تغییراتی که در طول تاریخ در زبان مادری ایجاد می‌شوند «ممکن است در بستر اجتماع خط مشی فکری و روانی خاصی را ایجاد کرده باشند» (پیش‌قدم، ۱۳۹۲: ۵۳).

استفاده از عبارت‌هایی مانند «لابد قسمت نبوده»، «تا قسمت چی باشه» یا واژه «قسمت» که در محاوره‌های روزانه افراد گروه‌های سنی مختلف به‌ویژه افراد مسن در ایران شنیده می‌شود، نه تنها نشان‌دهنده عجز بودن این واژه با فرهنگ فارسی - اسلامی ایران است، بلکه بازتابی از اعتقاد و باور ایرانیان به تقدیرگرایی/ جبرگرایی^۱ است که بدون تردید درک این مفهوم بدون شناخت فرهنگ فارسی کاری بسیار دشوار است؛ بنابراین، در این تحقیق قصد بر آن است تا با نگاهی به تاریخچه تقدیرگرایی در زبان فارسی به واکاوی عملکرد واژه «قسمت» در زبان فارسی بپردازیم.

تقدیرگرایی

در لغت، واژه «تقدیر» معانی بسیاری دارد که از جمله می‌توان به اندازه‌گرفتن و انداختن،

1. Fatalism

چیزی را به چیزی مقایسه کردن، بخش کردن رزق و روزی، جریان یافتن فرمان خدا، سرنوشت، قسمت، قضا و حکم خدای تعالی درباره مخلوق اشاره کرد (کرمی، ۱۳۸۳). «قدر» نیز به معنای محدود ساختن هر مخلوق به حد خود است؛ بنابراین، اگر انسان به تقدیری از پیش تعیین شده اعتقاد داشته باشد، دیگر تمایل و انگیزه‌ای برای پذیرش مسئولیت و تلاش ندارد. از سوی دیگر، اعتقاد به قدرت ماورایی که بر هر کاری قادر است و انسان محتاج اوست، هیچ منافاتی با آزادی انسان ندارد و باعث می‌شود انسان‌ها دچار تکبر نشوند و در برابر زورمندان تسلیم نگردند. در فرهنگ اسلامی نیز باور قضا و قدر یا مشیت الهی متداول بوده است که آن را نیرویی مستقل و تغییرناپذیر تلقی می‌کردند و حضور آن را در زندگی و سرنوشت انسان‌ها مؤثر می‌دانستند (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲).

حاکمان مستبد یکی از دلایل شیوع تفکر تقدیرگرایی در هر ملتی هستند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مانند دیگر ملل و اقوام حاکمان جبار گوناگونی در طول تاریخ بر آن حکمرانی کرده‌اند. برای نمونه، سلطان محمد یکی از حاکمان مستبد ایران بوده است که در زمان حکومت خود توانست مرزهای ایران را تا بخارا و سمرقند گسترش دهد (ابن اثیر، ۱۳۷۰)؛ اما ترس و ناباوری به قدرتش در حمله مغولان به ایران، منجر به شکست سنگین ایران در برابر قوم مغول شد که سرانجام، این ترس شدید هر اقدامی در برابر مغول را بی‌ثمر گذاشت و با تقدیرگرایی همراه شد. عوامل دیگری مانند نارضایتی از ظلم و ستم کارگزاران دولت آن زمان نیز در این شکست دخیل بودند؛ اما سلطان محمد ملقب به اسکندر ثانی آن را رخدادی آسمانی و رقم‌خورده الهی تلقی می‌کرد (جلالی، اسماعیلی و سلیمی، ۱۳۸۷). بی‌شک رواج چنین تفکری در تاریخ برای دیگر حکام سودمند بوده است؛ از این حیث که رعیت را مجبور به فرمان‌برداری می‌کردند و کسی جرأت نداشت حکومت آنها را زیر سؤال ببرد؛ زیرا، حکومت متعلق به کسی بود که پیش‌تر از جانب خداوند انتخاب شده بود (کرمی، ۱۳۸۳).

در این راستا، به کاربرد اصطلاح‌هایی چون «تا ببینیم خدا چه می‌خواهد» و «تا خدا نخواهد یک برگ از درخت نمی‌افتد» یا استفاده از واژگانی چون «قسمت»، «اقبال»، «بخت» و «سرنوشت» نشان‌دهنده رواج این تفکر در فرهنگ فارسی و جامعه ایرانی است. کرمی (۱۳۸۳) به این نکته اشاره می‌کند که در جامعه ایرانی، افراد واژه «تقدیر» را دستاویزی قرار داده‌اند تا شرایط دشوار و ناملایمت‌ها را به آن نسبت دهند و خود را مبرا سازند و از این‌رو قسمت را واژه‌ای «مظلوم» می‌داند. به عقیده وی، در تاریخ انسان همواره به دنبال نپذیرفتن کاستی‌ها و فرار از کوتاهی‌های خود بوده است و تقدیر ابزار مناسبی برای تحقق این امر است.

علاوه بر زبان، چنین تفکراتی در فلسفه نیز مشهود است که منجر به جریان یافتن مکتب جبرگرایی یا تقدیرگرایی شد. تقدیرگرایی یا جبرگرایی به نظریه‌ای اشاره می‌کند که در آن «اعمال انسان ضروری و غیر اختیاری است» (زارع‌پور، سعیدی مهر و حجتی، ۱۳۹۰). این بدان معناست که عملکرد انسان نمی‌تواند برخلاف آنچه از پیش برای او تعیین شده است، باشد؛ بنابراین، این تفکر از نوع افراطی، هر گونه تلاش را از فرد سلب می‌نماید و او را تبدیل به موجودی تسلیم‌پذیر می‌کند. تقدیرگرایی منجر می‌شود تا افراد از خودبینی و غرور دوری کنند؛ زیرا همواره به وجود قدرتی فراتر از قدرت خود ایمان دارند (کرمی، ۱۳۸۳)؛ اما خردورزی و عقل‌گرایی راهی برای مبارزه با تقدیرگرایی است که باعث می‌شود جامعه از سکون خارج شود و پویا گردد (فیوضات، ۱۳۸۱).

جوادی یگانه و فولادیان (۱۳۹۰) یکی از دلایل رواج تنبلی در جامعه ایرانی را تقدیرگرایی می‌دانند. آنها تنبلی اجتماعی را برآیند تنبلی افراد آن جامعه می‌دانند که نشان‌دهنده تمایل گروه بسیار بزرگی از افراد جامعه به فعالیت‌هایی چون تماشای زیاد تلویزیون به جای کتاب‌خوانی یا تمایل به استخدام دولتی با توجه به میزان کار اداری و بهره‌وری کارمندان و وجود تعطیلات فراوان سالانه است؛ بنابراین، در چنین جامعه‌ای فرد تقدیرگرا انگیزه لازم برای تلاش و کوشش ندارد؛ چراکه این فرد آموخته است بکوشد یا نکوشد سرنوشتش از پیش تعیین شده است و قدرت تغییر آن را ندارد.

نظریه اسناد^۱

در روان‌شناسی، یکی از نظریه‌های مرتبط با جبرگرایی نظریه اسناد است که در دهه ۱۹۷۰ رواج یافت و در سال‌های ۱۹۸۰ به اوج خود رسید و در آن زمان الگوی غالب تحقیق‌ها درباره انگیزه بود (درنیه، ۲۰۰۹). وینر (۱۹۹۲)، پایه‌گذار این مدل، بر این باور بود که تجربه‌های پیشین فرد موفقیت باشد یا شکست، زیربنای تمایل‌های انگیزشی^۲ به رفتارهای آینده اوست. به عبارت دیگر، این نظریه به توضیح درباره چگونگی توصیف افراد از موفقیت‌ها و شکست‌هایشان می‌پردازد (براون، ۲۰۰۷). با ذکر مثالی از درنیه (۲۰۰۹) این مفهوم را بیشتر شرح می‌دهیم؛ اگر عملکرد فردی در گذشته با شکست مواجه شده باشد و فرد دلیل شکست خود را نداشتن توانایی لازم برای انجام آن کار بداند، احتمال آن‌که این فرد دوباره آن کار را در آینده انجام دهد بسیار کم خواهد بود. به عبارت دیگر، تجربه‌های پیشین هر فرد تعیین‌کننده رفتارهای آینده اوست.

1. Attribution Theory
2. Motivational Disposition

به‌نظر می‌رسد نظریهٔ اسناد ریشه در مفهوم جایگاه طیف کنترل^۱ دارد که در آن به محاسبهٔ میزانی که فرد موقعیت‌های خود را نتیجهٔ رفتارهای پیشین و شخصی خود می‌داند، پرداخته می‌شود (لف‌کرت، ۱۹۷۶). همسو با این تعریف از جایگاه کنترل، راتر (۱۹۶۶) واژه‌های درونی و بیرونی را با جایگاه کنترل ترکیب کرد. از این منظر جایگاه کنترل درونی^۲ در برگیرندهٔ افکاری است که فرد شرایط حاضر خود را نتیجهٔ رفتارها و عملکردهای پیشین خود می‌داند. حال آن‌که در جایگاه کنترل بیرونی^۳ افراد عوامل متافیزیک یا اعتقادی مانند شانس یا روابط قدرت را در موقعیت فعلی دخیل می‌دانند. به عبارت دیگر، در جایگاه کنترل بیرونی فرد به دنبال نسبت‌دادن عاملی بیرونی به شرایط کنونی خود است.

بر این اساس، یزدان‌پناه، صحراگرد و رحیمی (۲۰۱۰) در پژوهشی به این نکته اشاره کردند که جایگاه کنترل رویکرد افراد به فعالیت‌هایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کلمن (۱۹۶۶) تأکید کرد که حس کنترل نقش بسزایی در موفقیت افراد دارد. به عقیدهٔ پیش‌قدم و معتکف (۲۰۱۱) اگر فردی شانس را مهم‌ترین عامل پیشرفت یا شکست خود بداند، این فرد انگیزهٔ لازم برای تلاش و موفقیت ندارد؛ زیرا، شانس عامل ناپایداری است و فرد قدرت کنترل آن را ندارد. در برخی از پژوهش‌ها به رابطهٔ میان موفقیت و مکان کنترل اشاره شده است. برای نمونه یزدان‌پناه، صحراگرد و رحیمی (۲۰۱۰)، کرندل، کاتفسکی و کرندل (۱۹۶۵) بر این عقیده هستند که افراد با جایگاه کنترل درونی، در قیاس با هم‌نوعان خود با جایگاه کنترل بیرونی ذهنیتی دستاوردی^۴ دارند و زمان بیشتری را صرف اجرای فعالیت‌های فکری و درسی می‌کنند. یزدان‌پناه، صحراگرد و رحیمی (۲۰۱۰) اشاره می‌کنند هر چه فرد تجربه‌های تلخ‌تری در زندگی داشته باشد، گرایش او به جایگاه کنترل بیرونی بیشتر می‌شود و در نهایت، آن فرد به موفقیت‌های تحصیلی کمتری دست می‌یابد. پیش‌قدم و ذبیحی (۲۰۱۱) نقش نظریهٔ اسناد را در یادگیری زبان خارجی زبان‌آموزان ایرانی بررسی کردند و دریافتند افرادی که سطح نمرهٔ پایین‌تری داشتند، شانس را یکی از عوامل تعیین‌کنندهٔ موفقیت خود می‌دانستند. در همان پژوهش پیشنهاد شد که این افراد بهتر است نحوهٔ نگرش خود به موفقیت را تغییر دهند و از تلاش و پشتکار بهره‌گیرند.

با توجه به آنچه گفته شد، به‌نظر می‌رسد مفهوم جایگاه کنترل بیرونی با تقدیرگرایی

1. Locus of Control Scale
2. Internal locus of Control
3. External locus of Control
4. Achievement-Oriented

شبهات‌هایی در نظریه و زیرساخت دارند؛ از این حیث که در هر دو تفکر عاملی بیرونی نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت و شکست افراد در زمینه تحصیلی و نیز در دیگر زمینه‌ها دارد. افزون بر این، در هر دو نظریه این عوامل بیرونی ناپایدار هستند و ثابت نیستند؛ بدین معنا که شانس یا قسمت همیشه بر وفق مراد افراد نیست و فقط گاهی روی خوش به آنها نشان می‌دهند؛ بنابراین، افراد هیچ کنترلی روی این عوامل بیرونی ندارند.

در تحقیق پیش‌رو قصد بر آن است تا با در نظر گرفتن این دو نظریه به بررسی مفهوم «قسمت» در فرهنگ فارسی پرداخته شود. لازم به ذکر است که این واژه و واژگان مشابه تاکنون در هیچ تحقیقی با این رویکرد بررسی نشده‌اند؛ بنابراین، در این پژوهش قصد داریم تا با واکاوی این واژگان به تشریح فرهنگ ایرانی بپردازیم تا به درک عمیق‌تری از آن برسیم.

روش تحقیق

داده

مکان جمع‌آوری داده‌های این تحقیق شهر مشهد بود که جمع‌آوری داده‌ها حدود ۴ ماه به طول انجامید. داده‌ها از خانم‌ها و آقایانی با سنین ۱۴ تا ۷۰ سال و با سطح تحصیلات و شرایط اجتماعی مختلف (پایین، متوسط و بالا) جمع‌آوری شد. این افراد شغل‌های متفاوتی (خانه‌دار، محصل، راننده و مهندس) داشتند و در مکالمه‌های روزمره خود از واژه «قسمت» و واژه‌های نظیر آن استفاده می‌کردند. مکالمه‌های این افراد در مناطق مختلف شهر مشهد و در هر موقعیت ممکن ضبط شد و سپس، روی کاغذ پیاده‌سازی شد. گزاره‌های جمع‌آوری شده حدود ۲۸۰ موقعیت گفتمانی بود و جمع‌آوری تا زمانی که اشباع کامل صورت گرفت، ادامه داشت. اشباع به این معناست که اطلاعات جدیدی به مجموعه داده‌ها اضافه نشد (بین، ۲۰۱۰).

مدل پژوهش

در این پژوهش، برای بررسی گزاره‌های قسمت از مدل هایمز (۱۹۶۷) استفاده شد. این مدل در تحقیقات متعددی از جمله لیندزلی و بریث‌ویت (۱۹۹۶)، پیش‌قدم، وحیدنیا و فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۳) و زندوکیلی، فردکاشانی و تابنده (۲۰۱۲) استفاده شده است. بر اساس این مدل، عوامل مؤثر بر تعامل‌های میان افراد را می‌توان به هشت گروه طبقه‌بندی کرد که هایمز (۱۹۶۷) از این گروه‌ها به اختصار با عنوان SPEAKING یاد می‌کند. این عوامل عبارت‌اند از:

موقعیت مکانی و زمانی^۱

موقعیت یک گفتمان با توجه به مکان و زمانی که در آن روی می‌دهد، می‌تواند به دو دسته تقسیم شود:

- الف) عمومی / رسمی
- ب) خصوصی / غیر رسمی

شرکت‌کنندگان^۲

شرکت‌کنندگان یک گفتمان ممکن است در چهار موقعیت مختلف قرارگیرند که این موقعیت‌ها بر اساس وضعیت قدرت و فاصله، سن، جنسیت، ملیت و ارتباط میان آن‌ها تعریف می‌شود.

- الف) هم‌تراز و رسمی (دو همکار)
- ب) هم‌تراز و صمیمی (دو دوست صمیمی)
- ج) نابرابر و رسمی (رئیس و کارمند)
- د) نابرابر و صمیمی (استاد و دانشجو)

هدف^۳

شرکت‌کنندگان در یک گفتمان اهداف خاصی را دنبال می‌کنند که این اهداف با در نظر گرفتن شرایط کلی آن گفتمان درک می‌شوند؛ بنابراین، بر اساس مدل هایمز علاوه بر هدف گفتمان به‌طور کلی، هدف هر یک از شرکت‌کنندگان نیز باید بررسی شود.

ترتیب گفتمان^۴

ترتیب گفتمان بیانگر شکل و محتوا آن چیزی است که بیان می‌شود. به عبارت دیگر، ترتیب گفتمان متشکل از عبارت‌ها، چگونگی بیان آنها، رابطه بین عبارت‌ها و موضوع در حال گفت‌وگو است. شرکت‌کنندگان در یک گفتمان با بهره‌گیری از ترتیب گفتمان زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان فراهم می‌سازند. بخش‌های گفتمان را می‌توان با توجه به نقش / کارکرد آنها بررسی کرد.

1. S: Setting
2. P: Participants
3. E: End
4. A: Act sequence

لحن^۱

لحن شرکت‌کنندگان با توجه به موقعیتی که گفتمان در آن روی می‌دهد، متغیر خواهد بود و ممکن است جدی، طعنه‌آمیز، فکاهی، دوستانه، خصمانه، هم‌دردی یا تهدیدآمیز باشد. معمولاً بین لحن و «نوع گفتمان» ارتباط مستقیمی وجود دارد؛ اما برقراری چنین ارتباطی ضروری نیست؛ زیرا، گاهی اوقات لطیفه‌ای با لحن طعنه‌آمیز بیان می‌شود یا شخصی با لحن تهدیدآمیز به دیگری تسلیت می‌گوید؛ بنابراین، آنچه اهمیت دارد این است که لحن با تغییر در هر یک از دیگر عوامل متغیر خواهد بود (پیش‌قدم و کرمانشاهی، ۱۳۹۴).

ابزار^۲

ابزار یک گفتمان نحوه انتقال گفتمان را در بر می‌گیرد که به گفته هایمز (۱۹۶۷) می‌تواند شفاهی، نوشتاری، تلگرافی یا هر نوع دیگری باشد؛ اما به‌طور کلی ابزار گفتمان به دو دسته کلی نوشتاری و گفتاری تقسیم می‌شود.

قوانین گفتمان^۳

به‌طور ضمنی، قوانین گفتمان بیانگر نظام اعتقادی یک جامعه است (هایمز، ۱۹۶۷) که در برگیرنده رفتارهای خاص و مشخصه‌هایی است که به یک گفتمان می‌توان نسبت داد. برای نمونه، قطع کردن صحبت دیگری یا رعایت اصول ترتیب در صحبت کردن، با صدای بلند صحبت کردن، زمزمه کردن و غیره از مشخصه‌های توصیف‌کننده یک گفتمان هستند (پیش‌قدم و کرمانشاهی، ۱۳۹۴).

نوع گفتمان^۴

نوع گفتمان دربرگیرنده انواع کنش‌های گفتاری، موقعیت‌ها و ساختارهای گفتمانی است که چارچوب یک گفتمان را شکل می‌دهند و شامل دسته‌بندی‌هایی از قبیل شعر، افسانه، داستان، ضرب‌المثل، دعا، خطابه، نامه، لطیفه، مکالمه و غیره می‌شود (هایمز، ۱۹۶۷).

1 .K: Key
2 .I: Instrumentalities
3 .N: Norms
4 G: Genre

نتایج

همان‌طور که ذکر شد، نمونه‌های گردآوری‌شده از واژه «قسمت» ابتدا با استفاده از مدل هایمز (۱۹۶۷) بررسی شد و سپس، به تشریح این کارکردها از ابعاد تقدیرگرایی/ جبرگرایی و مکان کنترل پرداخته شد و در انتها واژگان هم‌نشین قسمت مرور شد.

یافته‌های پژوهش

موقعیت

با توجه به موقعیت‌های گفتمانی واژه «قسمت»، استفاده از این واژه در موقعیت‌های رسمی و غیر رسمی رواج داشت:

الف) رسمی / عمومی

- متن مصاحبه با یک هنرمند در وب‌سایت رسمی: متأسفانه بخت یارمان نبود تا ملودی‌های ماندگار ایشان را اجرا کنیم.

ب) غیر رسمی / خصوصی

- مرد ۴۸ ساله‌ای که به تازگی از سفر حج بازگشته بود، در جمع میهمانان می‌گوید: ان‌شاء... خدا قسمت همه‌آرزومندها بکنه برن (سفر حج).

به‌نظر می‌رسد برخی از موقعیت‌ها از دامنه‌ی اختیار ایرانیان کاملاً خارج است و سرنوشت تنها عامل حادث‌شدن آنها است. یکی از این موقعیت‌ها ازدواج است؛ مرد ۴۶ ساله‌ای در مصاحبه‌ای تلویزیونی این‌چنین می‌گوید: نخستین دفعه‌ای بود که می‌رفتم خواستگاری؛ اما به‌دلیل اینکه قسمت بود با این خانم ازدواج کردم و قسمتم تو نخستین خواستگاری رقم خورده بود. نمونه‌ی دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، سفرهای زیارتی است که بیشتر جامعه‌ی ایرانی بر این باور هستند تا قسمت نباشد خداوند یا ائمه‌ی معصومین^(ع) آنها را به زیارت نمی‌طلبند. همچنین، شرایط ناگوار، تصادف‌ها، ناکامی‌های زندگی به قسمت و سرنوشت نسبت داده می‌شود.

شرکت‌کنندگان

گزاره‌هایی را که در آنها از واژه «قسمت» یا واژه‌های مرتبط استفاده می‌شود، از حیث وضعیت قدرت و فاصله می‌توان به چهار گروه طبقه‌بندی کرد:

الف) هم‌تراز و آشنا

- دو دوست شخص ۱: آخه مگه من چه گناهی کردم که از بین این همه ماشین، ماشین منو بدزدند؟!!

شخص ۲: حتماً یک مصلحتی بوده، ما که نمی‌دونیم.

ب) هم‌تراز و غریبه

- فرودگاه/ حاج آقای که از حج برگشته بلند بلند فریاد می‌زند: الهی خدا قسمت همتون بکنه!

مردم: آمین!

ج) نابرابر و آشنا

- مدیر گروه و دانشجو: آقای دکتر فردا تو جلسه با تقاضانامه من موافقت می‌شه؟

مدیر گروه: ببینیم خدا چی می‌خواد.

د) نابرابر و غریبه

- رئیس و ارباب رجوع

ارباب رجوع: بالاخره بعد از مدت‌ها انتظار قسمت شد شما رو ببینیم آقای دکتر ...
رئیس: (متعجب نگاه می‌کند)

به نظر می‌رسد برخی از واژگان «قسمت» برای گروه خاصی از شرکت‌کنندگان به کار می‌روند. برای نمونه، واژگانی چون بخت یا اقبال عموماً برای دختران به کار برده می‌شوند. خوش‌اقبالی نیز در فرهنگ فارسی نشان‌های گوناگونی دارد که یکی از آنها پیشانی بلند است. برای نمونه، زمانی که مادر بزرگی نوه تازه به دنیا آمده پیشانی بلندش را می‌بیند، می‌گوید: الهی اقبالش هم مثل پیشونیش بلند باشه. به نقل از ذوالفقاری (۱۳۳۴)، از دیگر نشانه‌های خوش‌اقبالی فاصله بین دندان‌هاست. کچل‌ها نیز خوش‌اقبال هستند و بخت بلندی دارند. اگر مویی یا موی سیبیلی وز کند و به تنهایی سیخ بایستد، نشان خوشبختی است که به زودی فرا خواهد رسید. اگر فردی در طرف راست صورت خود سالک داشته باشد، نشان نیک‌بختی است. همچنین، موی سفید نشان بخت سفید است. نکته قابل توجه دیگر این است که بیشتر افراد مسن جامعه این‌گونه عبارت‌های مرتبط با قسمت را به کار می‌برند.

هدف

پس از واکاوی همه گفتمان‌های حاوی قسمت، هفت هدف عمده برای قسمت یافت شد که عبارت‌اند از:

۱. یأس و نومیدی

- مادر داغدار خطاب به فرزند مرحومش: فکر نمی‌کردم تقدیرت این باشه که خاک را بغل بگیری.

- مردی که خانمش به بیماری صعب‌العلاجی مبتلاست: سرنوشت ما هم این‌طور رقم خورده است.

۲. دلداری و همدردی

- فرزند: ماما تو آزمون استخدامی قبول نشدم.

مادر: غصه نخور مادر! فدای سرت! لابد قسمت نبوده.

۳. گله‌مندی

- مکالمه دختری با دوستش: ای بابا ... خسته شدم... انگار رو پیشونی من نوشته با من درد دل کنید؛ کنار هر کی میشینم یه ۵ دقیقه بعد شروع به درد دل کردن می‌کنه.

۴. آرزو و امید

- ان‌شاء... خدا قسمت کنه بری کربلا/ مکه/ زیارت ...

- خدا بختش رو هم مثل روزیش کنه.

۵. امتناع از پاسخ/ تعلیق

- حالا ببینیم خدا چی می‌خواد/ هر چی خدا بخواد.

۶. تعجب

- می‌بینی؟! قسمت هیچ کس را نمی‌تونه کس دیگه‌ای بخوره.

۷. هشدار

- خدا نکنه کسی پای بد بیاره تو زندگیش ...

- (چیزی می‌افتد و می‌شکند) قضا، بلا بود.

- الهی بد از جانب خدا نباشه.

ترتیب گفتمان

ترتیب گفتمان به بررسی نقش / کارکرد بخش‌های آن گفتمان می‌پردازد. به دلیل اینکه در اینجا فرصت کافی برای واکاوی همه مکالمه‌هایی که در آنها «قسمت» به کار رفته است وجود ندارد، به بررسی چگونگی استفاده از این واژه در یک نمونه بسنده می‌کنیم:

موقعیت: مکالمه تلفنی دو برادر

شخص ۱ (علی - ۵۷ ساله): اعلام خبر هیجان‌انگیز

فهمیدی چی شد یا نه؟ زهرا تو قرعه کشی بانک ۵۰۰۰۰۰۰ تومان برنده شد.

شخص ۲ (حسن - ۶۳ ساله): پاسخ با خوش حالی

خدا را شکر! مبارکش باشه! ان شاء الله... بختش هم مثل روزیش باشه!

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این مکالمه علی قصد دارد خبر هیجان‌انگیزی به حسن بدهد. حسن در پاسخ به خبر او از واژه همسان با «قسمت» استفاده می‌کند که روندی منطقی دارد؛ زیرا، یکی از کاربردهای واژه «قسمت» و عبارت‌های هم‌معنا با آن آرزو و امید است. همچنین، استفاده از این واژه در محاوره‌های دوستانه مجاز است.

لحن

لحن‌های مختلفی که در به‌کاربردن قسمت استفاده می‌شوند، شامل موارد زیر هستند:

۱. یأس و نومیدی

- ما که همه تلاشمونو کردیم. دیگه ختما قسمتمون نبوده.

۲. عصبانیت

- فرزند: مامان تو آزمون استخدامی قبول نشدم.

مادر: غصه نخور مادر! فدای سرت! لابد قسمت نبوده.

فرزند: دلت خوشه مادر من، قسمت، قسمت، قسمت، قسمت کیلو چنده؟ پارتی داشته باشی قسمت می‌شه.

۳. تعجب‌آمیز

- می‌بینی؟! قسمت هیچ کس را نمی‌تونه کس دیگه‌ای بخوره!

۴. امیدوارانه

- الهی که خدا از اون خوب خوباش قسمت کنه!

- اشکالی نداره، حتماً خواست خدا بوده.

۵. طنز

-، تو که داری بستنی می‌خوری، مگه رژیم نداری؟

حالا الان می‌خورم، خدا توفیق بده از شنبه رژیم می‌گیرم (خنده).

ابزار

همان‌طور که ذکر شد، ابزار یک گفتمان شامل نحوه بیان آن است که به دو دسته نوشتاری و گفتاری تقسیم می‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد «قسمت» و واژه‌های مشابه با آن، به‌طور معمول در قالب گفتاری به کار می‌روند؛ اما در برخی از موارد واژگان مرتبط با «قسمت» در متون مکتوب نیز به کار می‌روند.

نوشتاری

- وب‌سایت خبری: در جریان مصوبات بررسی لایحه بودجه ۹۳ این‌طور مقدر شد که قیمت بنزین و گازوئیل تا ۵ درصد گران شوند.

- پیام تسلیت: این چنین غم قسمت دشمن مباد!

گفتاری

- حاج آقا بالاخره قسمت شد بیایم دست بوس.

قوانین گفتمان

بررسی واژگان مرتبط با «قسمت» در گفتمان‌های مختلف نشان می‌دهد که کاربرد این واژگان محدود به توصیف شرایط نامساعد و ناامیدوارانه نمی‌شود و برای بیان امید و آرزو نیز به کار می‌رود. برای نمونه:

موقعیت ۱: بیمارستان - پشت در اتاق بیمار

شرکت‌کنندگان: جمعی از اقوام که برای عیادت آمده‌اند و همسر بیمار

- چی شد آخه؟ مرضیه خانم که خوب بودند!

- نمی‌دونم والا! این چه بلای آسمانی بود که به سر ما آمد! (اندوهگین)

- حالا دکتر چی گفتن؟

- (بغض) میگن سرطان. راهی نداره ...

-ای خدا!

-قسمت ما هم این طوری رقم خورده (آه می کشد)

موقعیت ۲: خیابان

شرکت کنندگان: خانم مسن و پسر جوان

پسر: حاج خانم دستتون سنگینه ... بذارید زمین من میارم براتون.

خانم مسن: نه مادر، زحمتت میشه.

پسر: این حرفا چیه؟! شما هم مثل مادر من.

خانم مسن: ان شاء ا.. هر چی میخوای خدا نصیبت کنه!

نوع گفتمان

استفاده از واژه‌های «قسمت» تنها به مکالمه محدود نمی‌شود و در قالب‌های دیگری نیز به کار

می‌رود:

ضرب‌المثل: خدا وقتی بخواد بده، نمی‌پرسه تو کی هستی؟ (مفهوم قسمت)

نصیب کسی را کسی نخورد.

هر چه خدا بخواهد.

در دایره قسمت ما نقطه پرگاریم.

تا خداوند نخواهد حتی یک برگ هم از درخت نمی‌افتد. (مفهوم قسمت)

بازی سرنوشت

پیام تسلیت: این چنین غم قسمت دشمن مباد!

پیام تبریک: با آرزوی خوشبختی ...

دعا: خدایا به ما توفیق عنایت فرما تا پیرو راه شهدا و امام شهدا باشیم!

بررسی واژه‌های هم‌نشین و مرتبط با قسمت

واژه‌های مرتبط با مفهوم قسمت

در فرهنگ فارسی واژه‌هایی که به قسمت و سرنوشت اشاره دارند، بسیار متنوع هستند که در

اینجا سعی می‌کنیم به بررسی اجمالی آنها بپردازیم. واژگانی مانند:

- فلک / آسمان / چرخ ← چرخ فلک

کرمی (۱۳۸۳) دلیل استفاده از واژگانی چون آسمان و فلک را فرهنگ کهن و اعتقاد ایرانیان می‌داند. به گفته وی، در ایران کهن، نام فرشته موکل تدبیر امور و مصالح «آسمان روز» بوده است.

- روزگار / سرنوشت ← دست روزگار / دست سرنوشت
- طالع ← طالع بلند
- بخت ← خوش‌بخت (خوش + بخت = سرنوشت خوش) یا نگون‌بخت (نگون + بخت = سرنوشت بد)
- جام ← جام بلا
- اقبال ← بخت و اقبال
- قضا ← قضای الهی / قضا و قدر
- تقدیر ← تقدیر و سرنوشت / تقدیر و قسمت

افزون بر این، برخی واژه‌ها معنای ضمنی «قسمت» دارند. برای نمونه:

- پای بد: نشان‌دهنده حوادث و اتفاقات بد در سرنوشت کسی است.

- پیشانی نوشت: سرنوشت

تجزیه و تحلیل معنایی مفهوم قسمت و واژگان هم‌نشین

در این قسمت به بررسی واژگان هم‌نشین با مفهوم «قسمت» می‌پردازیم و بافت‌هایی را که در آنها به کار می‌روند، تحلیل می‌کنیم:

واژگان مترادف و هم‌نشین با مفهوم «قسمت»

اسم	فعل / صفت / پسوند هم‌نشین	بافت معنایی	نمونه
سرنوشت	رقم خوردن / هستن سرنوشت خوب / بد سرنوشت + ساز = سرنوشت‌ساز	مثبت منفی	تیم ایران یا پیروزی خود سرنوشتش را به بازی فینال کشاند. سرنوشت نامعلوم سربازان گروگان گرفته شده چیست؟
قسمت	شدن / بودن	مثبت منفی	خدا قسمت کنه بریم پاپوس آقا. از خدا می‌خواستم در تیم ملی شرکت داشته باشم؛ اما قسمت نبود.
مقدر / تقدیر	رفتن - مقدر شدن کردن - مقدر شدن یافتن - مقدر نیک از خدای تعالی یافتن تقدیر+گرا - تقدیرگرا مقدر / تقدیر+ ات - تقدیرات الهی	منفی	پسر: اینکه اون دختر از خانواده فقیریه تقصیر اونیه؟! مادر: نخیر تقصیرش نیست. تقدیرشه. (عصبانیت)

ادامه واژگان مترادف و هم‌نشین با مفهوم «قسمت»

اسم	فعل / صفت / پسوند هم‌نشین	بافت معنایی	نمونه
توفیق	خواستن / جستن - طلب موفقیت کردن یافتن / پیدا کردن - موفق شدن دادن - موافق ساخته شدن رضای پروردگار با کار بنده	مثبت	با توفیق خداوند عملیات ضد انتحاری با موفقیت اجرا شد.
حکمت خیریت / صلاح	فهم مسائلی که از جانب خدا الهام می‌شود. خوبی / بهبود / نیکو بودن مصلحت / خیر / نیکی	برای دلداری در شرایط منفی	حتماً حکمتی در کار بوده است. شخص ۱: کنکور قبول نشدم. شخص ۲: حتماً خیریت / صلاح بوده (نبوده)

❖ سال هفدهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۵

لازم به توضیح است که واژه «قسمت» می‌تواند با افعال منفی و مثبت به کار رود؛ اما زمانی که گزاره حاوی «قسمت» با فعل منفی به کار می‌رود، گزاره دیگر فعل مثبت دارد و برعکس. در اینجا نمونه‌ای را ذکر می‌کنیم:

√	قسمت نبود قبول بشم.
√	قسمت بود قبول نشم.
×	قسمت نبود قبول نشم.

این‌گونه به نظر می‌رسد که گاهی واژه «قسمت» در شرایط خاصی جای خود را به واژه «توفیق» می‌دهد. توفیق به معنای موافق گردانیدن (فرهنگ معین، ۱۳۷۱) و مددکردن بخت و فراهم‌شدن اسباب کاری است (فرهنگ عمید، ۱۳۵۰). معمولاً این واژه در موقعیت‌های رسمی و مذهبی استفاده می‌شود و یکی از کاربردهای آن طلب مساعدت از خداوند برای انجام کارهای خیر و نیکوست. برای نمونه:

پیش‌نماز مسجد: خدایا توفیق فرمانبرداریت را به ما اعطا کن!

کاربرد دیگر این واژه تا حدی با واژه «قسمت» هم‌پوشانی دارد. با توجه به این نکته تنها برای اشاره به شرایط مساعد، مطلوب و نیک به کار می‌رود:

موقعیت ۱: ماشین عازم خط مقدم، مکالمه دو رزمنده

شخص ۱: حاجی تو هم عازمی؟

شخص ۲: آگه خدا توفیق بده.

موقعیت ۲: مادر خطاب به فرزندان

اگه خدا توفیق بده، می‌خوام این ماه رمضان سه شب روزه بخونم.

واژه‌های حکمت، خیریت و مصلحت نیز در دلجویی کردن معنایی مشابه «قسمت» دارند و زمانی به کار می‌روند که حادثه ناخوشایندی اتفاق می‌افتد یا نگرانی و دلواپسی وجود دارد؛ بنابراین، افراد سعی دارند با به‌کارگیری این کلمات از تلخی آن بکاهند. برای مثال:

شخص ۱: آخه مگه من چه گناهی کردم که از بین این همه ماشین، ماشین منو بدزدند؟!!

شخص ۲: حتماً یک خیری توش بوده. ما که نمی‌دونیم.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت نقش فرهنگ در تجلی نحوه تفکر افراد یک جامعه (پیش‌قدم، ۱۳۹۲)، در تحقیق پیش‌رو قصد بر آن بود تا با واکاوی واژه «قسمت» و زیربنای تاریخی- فرهنگی آن، درک بهتری از فرهنگ فارسی صورت گیرد؛ بنابراین، به تشریح این واژه با استفاده از مدل هایمز پرداختیم و هشت بخش تشکیل‌دهنده آن را به تفصیل توضیح دادیم. سپس، به بررسی واژه‌های مرتبط و هم‌نشین با آن پرداختیم.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، به نظر می‌رسد استفاده از واژه «قسمت» و مانند آن رابطه مستقیمی با مذهب دارد؛ زیرا، لازمه استفاده از این واژگان اعتقاد به وجود قدرتی فرای قدرت و اختیار انسانی است. نگاهی دقیق‌تر به استفاده از این واژگان نشان می‌دهد گاهی اعتقاد به تقدیر اولویت به دستاوردهای فردی دارد. برای نمونه:

موقعیت: مکالمه تلفنی دو خواهر (زهرا ۵۲ ساله و زهره ۵۹ ساله):

زهرا: بگو مبارک باشه!

زهره: ... خیره ... خبری شده؟

زهرا: مریم (دخترم) دانشگاه قبول شده.

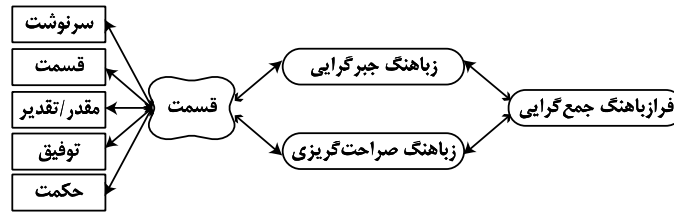
زهره: ای خواهر ... این روزا که دانشگاه قبول شدن کاری نداره، دعا کن بخت و روزاشون خوب باشه.

با توجه به استفاده از واژه «قسمت» (اعتقاد به جبرگرایی) به‌طور کلی و این نمونه به‌طور خاص، می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که در فرهنگ فارسی مکان کنترل بیرونی نقش پررنگ‌تری در مقایسه با مکان کنترل درونی ایفا می‌کند؛ بنابراین، با ترکیب دو مفهوم مکان کنترل بیرونی و اعتقاد به جبرگرایی لازم است «زباهنگ جبرگرایی» را معرفی کنیم.

پیش قدم (۱۳۹۲) «زبان‌نگ» را متشکل از دو واژه «زبان» + «فرهنگ» می‌داند که به معنای «نمایش فرهنگی از یک زبان» است (ص. ۵۲) و علم واکاوی و بررسی زبان‌نگ را «فرهنگ‌کاوی زبان»^۱ می‌نامد. مجموع چندین زبان‌نگ، تصویری کلی‌تر از فرهنگ یک جامعه در اختیار فرهنگ‌کاوان قرار می‌دهد؛ بنابراین، آنچه ماورای زبان‌نگ قرار می‌گیرد، «فرازبان‌نگ»^۲ نامیده می‌شود. این بدان معنی است که چندین عبارت زبانی تشکیل‌دهنده یک زبان‌نگ هستند و چندین زبان‌نگ یک فرا زبان‌نگ را تشکیل می‌دهند. با توجه به این تعریف، «زبان‌نگ جبرگرایی» مجموعه عبارت‌های زبانی است که تمایل فرد را درباره نسبت‌دادن وقایع و اتفاقات حادث شده به عاملی متافیزیکی به‌خصوص خداوند نشان می‌دهد و قدرت کنترل و اختیار او را ماورای قدرت خود می‌داند؛ از این رو، تمامی عبارت‌های حاوی «قسمت»، لغوی^۳ و ضمنی^۴، گویای «زبان‌نگ جبرگرایی» در فرهنگ فارسی هستند.

در راستای مفهوم «زبان‌نگ»، پیش قدم (۱۳۹۲) از «زبان‌نگ صراحت‌گریزی» نیز نام می‌برد (ص. ۵۵). این زبان‌نگ که همسو با تحقیق پیش قدم و عطاران (۲۰۱۲) است، بیانگر علاقه زیاد ایرانیان به غیرمستقیم صحبت کردن و صریح نبودن است. همچنین، یافته پژوهش پیش قدم و نوروز کرمانشاهی (۲۰۱۲) درباره واژه «ان شاء...»، تأکیدی بر غیرمستقیم صحبت کردن ایرانیان است. در این پژوهش نیز با فرهنگ‌کاوی زبان به کاربرد تعلیق یا امتناع از پاسخ رسیدیم که خود تصدیقی بر «زبان‌نگ صراحت‌گریزی» است؛ بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد، عبارت زبانی «قسمت» را می‌توان وجه اشتراک دو زبان‌نگ «جبرگرایی» و «صراحت‌گریزی» معرفی کرد. نکته قابل توجه دیگر این است که اعتقاد به جبرگرایی هنوز در میان ایرانیان رایج است. پیش قدم (۱۳۹۳) با نگاهی بر نحوه خردورزی مردم دنیای غرب و شرق، مصلحت‌اندیشی و تجربه‌گرایی را از جمله ویژگی‌های جامعه جمع‌گرای^۵ ایران می‌داند که یکی از دلایل آن تعالیم مذهبی این جامعه است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد یکی از فرا زبان‌نگ‌های تشکیل‌دهنده فرهنگ ایرانی جمع‌گرایی است که پیش قدم (۱۳۹۲) به آن اشاره کرده است.

1. Culurology of language
2. Metacultuling
3. Literal
4. Connotative
5. Collective



بخشی از شمای کلی فرا زبانهنگ جمع‌گرایی

با توجه به نقش سن و تحصیلات در کاربرد واژه «قسمت»، بررسی‌ها نشان داد کاربرد این واژه در میان جوانان و نوجوانان کمتر از میان سالان و افراد مسن است. برای مثال:

فرزند: مامان تو آزمون استخدامی قبول نشدم.

مادر: غصه نخور مادر! فدای سرت! لابد قسمتت نبوده.

فرزند: دلت خوشه مادر من! قسمت، قسمت، قسمت، قسمت کیلو چنده؟ پارتی داشته باشی قسمت می‌شه.

افزون بر این، همسو با پژوهش جوادی یگانه و فولادیان (۱۳۹۱) به نظر می‌رسد کاربرد این واژه در میان قشر تحصیل‌کرده جامعه کمتر از افراد کم‌سواد و بی‌سواد است؛ بنابراین، اعتقاد به جبرگرایی با سن رابطه‌ای مستقیم و با تحصیلات رابطه‌ای معکوس دارد؛ بدین معنا که افراد با سن بالاتر، اعتقاد بیشتری به جبرگرایی دارند و هر چه میزان تحصیلات و سواد افراد جامعه بیشتر شود، این اعتقاد بین آنها کم‌رنگ‌تر می‌شود. این‌طور به نظر می‌رسد که افزایش سطح سواد ذهن افراد را منطقی‌تر می‌سازد؛ در نتیجه، افراد با میزان تحصیلات بالاتر اعتقاد کمتری به تقدیرگرایی دارند. با این‌وجود، هر چند اعتقاد به جبرگرایی در جامعه امروز رو به کاهش است؛ اما اعتقاد به عوامل بیرونی همچون شانس یا افراد قدرتمند همچنان در میان افراد جامعه وجود دارد و مکان کنترل بیرونی نقش پررنگی در جامعه ایفا می‌کند.

در تحقیق پیش‌رو، واکاوی واژه «قسمت» نشان داد استفاده از این واژه تنها به شرایط ناگوار محدود نمی‌شود؛ بلکه برای توصیف شرایط مطلوب نیز به کار می‌رود؛ بنابراین، برای شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تر فرهنگ فارسی لازم است با تعمق بیشتری به معنای واژگان توجه شود. همچنین، مهندسی زبان و واکاوی مفاهیم هر زبان، از جمله زبان فارسی می‌تواند راه کار مناسبی برای واکاوی فرهنگ فارسی باشد (پیش‌قدم، ۱۳۹۲) که می‌توان از طریق آن آسیب‌شناسی فرهنگی کرد و گام‌های مناسبی برای تغییر یا تصحیح این فرهنگ برداشت.

منابع و مأخذ

- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۰). **تاریخ کامل**. تهران: اساطیر.
- پیش‌قدم، رضا (۱۳۹۱). معرفی «زبان‌نگ» به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. **فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه**، سال ۴۵، شماره ۴: ۶۱-۴۷.
- پیش‌قدم، رضا (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی روش‌های جمع‌آوری داده در مطالعات زبانی: گامی به سوی بومی‌سازی روش تحقیق در ایران. **فصلنامه جستارهای زبانی**، شماره ۲: ۷۰-۵۵.
- پیش‌قدم، رضا؛ فاطمه وحیدنیا و آیلین فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۳). نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتار نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی. **فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه**، سال ۴۷، شماره ۲: ۷۱-۴۵.
- پیش‌قدم، رضا و نوروز کرمانشاهی، پریا (۱۳۹۴). **ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای لقب حاجی و واژه‌های وابسته در زبان فارسی**. زبان‌پژوهی. انتشار الکترونیکی.
- جلالی، محمدرضا، حسن اسماعیلی و سکینه سلیمی (۱۳۸۷). تبیین روان‌شناختی ناپایداری سلطان محمد و شکست ایرانیان در رویداد حمله چنگیز و مغولان. **فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ**، شماره ۱۱: ۸۱-۱۰۳.
- جوادی یگانه، محمدرضا و مجید فولادیان (۱۳۹۰). تبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۱۲، شماره ۳: ۱۰۹-۱۳۷.
- داعی‌الاسلام، محمدعلی (۱۳۶۲). **فرهنگ نظام**. تهران.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). **باورهای عامیانه مردم ایران**. تهران: نشر چشمه.
- زارع‌پور، محمدصالح، محمد سعیدی مهر و محمدعلی حجتی (۱۳۹۰). جبرگرایی الهیاتی و راه‌حل‌های آن. **فصلنامه معرفت فلسفی**، شماره ۳۱: ۱۰۳-۱۴۴.
- عسکرزاد، منیر (۱۳۴۸). تحلیل نمادهای ماه در باورهای عامیانه ملل مختلف به استناد ابیاتی از شاعران بزرگ پارسی‌گوی. **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، شماره ۴۱: ۳۰۹-۳۲۴.
- عمید، حسن (۱۳۷۱). **فرهنگ عمید** (چاپ هشتم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فیوضات، ابراهیم (۱۳۸۱). نگرش جوانان به حرفه و صنعت. **فصلنامه جامعه‌شناسی ایران**، سال ۴، شماره ۱: ۶۵-۷۷.
- کرمی، محمدحسین (۱۳۸۳). تقدیر و سرنوشت در ادبیات فارسی و تأثیر آن بر فرهنگ مردم ایران. **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه**. تهران: شماره ۱۶۹: ۱۲۹-۱۵۰.
- معین، محمد (۱۳۵۰). **فرهنگ فارسی**. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- Brown, H. D. (2007). *Principles of language learning and teaching* (5th Ed.). NY: Longman.
- Coleman, J. S. (1966). Peer culture and education in modern society. In T. M. Newcomb & E. K. Wilson (Eds.), *College peer groups: Problems and prospects for research* (pp.244-269). Chicago: Adline.
- Crandall, V. C., Katovsky, W., & Crandall, V. J. (1965). Children's belief in their own control of reinforcements in intellectual-academic achievement situation. *Child Development*, 36, 91-109.
- Dorniyei, Z. (2005). The psychology of language learner: Individual differences in second language acquisition. New Jersey: Mahwah.
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 33(2), 8-28.
- Lefcourt, H. M. (1976). *Locus of control current trends: Theory and research*. New York: Wiley.
- Lindsley, S. L., & Braithwaite, C. A. (1996). "You should wear a mask": Facework norms in cultural and intercultural conflict in maquiladoras. *International Journal of Intercultural Relations*, 20(2), 199-255.
- Pishghadam, R., & Attaran, A. (2012). Rhetorical patterns of Argumentation in EFL journals of Persian and English. *International Journal of Research Studies in Language Learning*, 2(1), 81-90.
- Pishghadam, R., & Motakef, R. (2011). Attributional patterns with respect to major and attendance in private language schools: A case of EFL context. *Theory and Practice in Language Studies*, 1(7), 888-894.
- Pishghadam, R., Norouz Kermanshahi, P. (2012). Insha'Allah (God's willing) and its functions in Persian. *Studies in Literature and Language*, 4(1), 1-6.
- Pishghadam, R., & Zabihi, R. (2011). Foreign language attributions and achievement in foreign language classes. *International Journal of Linguistics*, 3(1), 1-11.
- Rotter, J. B. (1966). Generalised expectancies for internal versus external control of reinforcement. *Psychological Monographs*, 80, 1-28.
- Weiner, B. (1992). *Human motivation: Metaphors, theories and research*. Newbury Park, CA: Sage.
- Yazdanpanah, M., Sahragard, R., & Rahimi, A. (2010). The interplay of locus of control and academic achievement among Iranian English foreign language learners. *Cypriot Journal of Educational Sciences*, 5, 182-202.
- Yin, R. K. (2010). *Qualitative research from start to finish*. New York: The Guilford Press.
- Zand-Vakili, E., Fard Kashani, A., Tabande, F. (2012). The Analysis of speech events and Hymes' SPEAKING factors in the comedy television series: "FRIENDS". *New Media and Mass Communication*, 2, 27-43.